



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۴/۱۳

نویسنده: ن . جلیل زاد

نهضت امانی و زن افغان گام‌های نخستین در راه برابری و آگاهی

دهه امانی در تاریخ معاصر افغانستان، نه تنها به عنوان دوره ای از اصلاحات سیاسی و اداری، بلکه به مثابه لحظه ای سرنوشت‌ساز در بازتعریف جایگاه زن در جامعه شناخته می شود .
در این دوره، برای نخستین بار، مساله زن به گونه ای آگاهانه و نظام مند وارد گفت‌وگو عمومی گردید .
این قلم می کوشد با چارچوب مفهومی، تاریخی و تحلیلی، به بررسی نقش نهضت امانی در ارتقای آگاهی و حقوق زنان بپردازد و نشان دهد که چگونه این حرکت، علی رغم چلنج‌ها و مقاومت‌ها، بنیان‌های فکری برابری را در جامعه افغانستان پی ریزی کرد.

مقدمه:

آغاز سده بیستم در افغانستان، با ظهور نسلی از رهبران و روشنفکران همراه بود که در پی گشودن افق‌های تازه برای جامعه خود بودند. در میان آنان، امان‌الله خان به عنوان شاهی جوان و جسور، پروژه ای گسترده برای نوسازی کشور را آغاز کرد .

در کنار او، ملکه ثریا طرزی، زنی آگاه، تحصیل کرده و پیشرو، نقشی بی بدیل در طرح و پیشبرد مساله زن ایفا نمود .

این دو، با نگاهی نو به جامعه، بر این باور بودند که پیشرفت واقعی بدون مشارکت فعال زنان ممکن نیست. بدنه اصلی:

نهضت امانی، در بنیاد خود، تلاشی بود برای بازتعریف رابطه میان دولت، جامعه و فرد .

در این چارچوب، زن نه به عنوان موجودی حاشیه ای، بلکه به عنوان عضوی برابر در پیکره جامعه مورد توجه قرار گرفت .

این تغییر نگرش، در زمانه ای که ساختارهای سنتی و قبیله ای بر زندگی اجتماعی حاکم بود، گامی بزرگ و جسورانه محسوب می شد.

از منظر مفهومی، چارچوب فکری امانی به مساله زن، بر اصل «برابری انسانی» استوار بود .

امان‌الله خان و ملکه ثریا، برخلاف بسیاری از دیدگاه‌های رایج زمان، معتقد بودند که طرح مساله «تفاوت حقوق زن و مرد» خود ناشی از یک سوءتفاهم تاریخی و فرهنگی است .

آنان تأکید می کردند که حقوق، به عنوان امری انسانی، نمی تواند بر اساس جنسیت تقسیم شود .

در این چارچوب، جمله معروف آنان که «حقوق زن و مرد را باید در کتابخانه‌ها جستجو کرد»، بیانگر تأکید بر دانش، آگاهی و بازگشت به منابع عقلانی و برای فهم درست حقوق انسانی بود.

در سطح عملی، این نگرش به مجموعه ای از اصلاحات مشخص انجامید .

یکی از مهم ترین این اقدامات، توجه به آموزش زنان بود .

برای نخستین بار، مکاتب دخترانه به صورت رسمی تأسیس گردید و زمینه برای تحصیل زنان فراهم شد .

این اقدام، نه تنها به افزایش سطح سواد در میان زنان انجامید، بلکه به تدریج زمینه ساز شکل گیری نسلی از زنان آگاه و فعال گردید.

ملکه ثریا، در این میان، نقشی نمادین و عملی ایفا می کرد .

او نه تنها در سخن، بلکه در عمل نیز به دفاع از حقوق زنان می پرداخت .

حضور فعال او در عرصه های عمومی، سخنرانی‌هایش در حمایت از آموزش زنان و تأکیدش بر ضرورت مشارکت آنان در زندگی اجتماعی، الهام بخش بسیاری از زنان افغان شد .

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

او با شکستن برخی از قالب های سنتی، نشان داد که زن می تواند همزمان با حفظ هویت فرهنگی، در عرصه های مختلف اجتماعی حضور فعال داشته باشد.

نهضت امانی همچنین کوشید تا با اصلاح برخی از رسوم و سنت های محدودکننده، زمینه را برای آزادی بیشتر زنان فراهم سازد.

مبارزه با ازدواج های اجباری، تشویق به انتخاب آگاهانه همسر و تأکید بر کرامت انسانی زنان، از جمله این اقدامات بود.

این اصلاحات، هرچند در آغاز با استقبال برخی از اقشار مواجه شد، اما به تدریج با مقاومت های جدی نیز روبهرو گردید.

از منظر تاریخی، باید توجه داشت که جامعه افغانستان در آن زمان، به شدت متأثر از ساختارهای سنتی، قبیله ای و مذهبی بود.

در چنین بستری، هرگونه تغییر در نقش های جنسیتی، به عنوان تهدیدی برای نظم موجود تلقی می شد.

از این رو، اصلاحات امانی در حوزه زنان، بیش از سایر حوزه ها، با عکس العمل های محافظه کارانه مواجه گردید.

با این حال، اهمیت نهضت امانی را نمی توان صرفاً بر اساس موفقیت یا ناکامی کوتاه مدت آن سنجید.

این نهضت، بیش از آنکه یک پروژه صرفاً سیاسی باشد، یک تحول فکری و فرهنگی بود.

برای نخستین بار، این ایده به صورت جدی مطرح شد که زن افغان، نه تنها حق آموزش و مشارکت اجتماعی دارد، بلکه حضور او برای پیشرفت جامعه ضروری است.

از منظر تحلیلی، می توان گفت که نهضت امانی، نوعی «گسست معرفتی» در نگاه به زن ایجاد کرد.

پیش از آن، زن عمدتاً در چارچوب نقش های سنتی تعریف می شد، اما در این دوره، به عنوان یک «سوژه اجتماعی» مطرح گردید.

این تغییر، هرچند در کوتاه مدت با چلنج هایی مواجه شد، اما در بلندمدت، تأثیرات عمیقی بر گفتارهای بعدی گذاشت.

نکته مهم دیگر، پیوند میان اصلاحات زنان و پروژه کلی دولت سازی در دوره امانی است. امان الله خان به خوبی دریافته بود که بدون نوسازی اجتماعی، نوسازی سیاسی و اقتصادی نیز به نتیجه نخواهد رسید. از این رو، توجه به آموزش و حقوق زنان، بخشی جدایی ناپذیر از برنامه کلی او برای ساختن یک افغانستان مدرن و مستقل بود.

در این میان، نقش آگاهی و دانش، به عنوان ابزار رهایی، برجسته می شود.

تأکید شاه و ملکه بر «کتابخانه» به عنوان محل جستجوی حقوق، نشان دهنده این باور است که رهایی واقعی، نه از طریق تقلید صرف، بلکه از راه فهم و آگاهی حاصل می شود.

این دیدگاه، همچنان می تواند برای جامعه امروز افغانستان الهام بخش باشد.

نتیجه گیری:

نهضت امانی را می توان به عنوان نخستین تلاش جدی و نظام مند برای ارتقای جایگاه زن در افغانستان دانست.

این نهضت، با تکیه بر اصول برابری، آگاهی و اصلاح، کوشید تا زن را از حاشیه به متن جامعه بیاورد.

هرچند این تلاش ها با موانع و مقاومت های جدی مواجه شد و در نهایت، به دلیل شرایط پیچیده داخلی و خارجی، به طور کامل تحقق نیافت، اما تأثیرات آن در تاریخ فکری و اجتماعی افغانستان باقی ماند.

امروز، بازخوانی این دوره، نه از سر نوستالژی، بلکه برای درک ریشه های تلاش برای برابری و عدالت، اهمیت دارد.

نهضت امانی به ما می آموزد که تغییرات عمیق اجتماعی، نیازمند جسارت فکری، اراده سیاسی و مشارکت آگاهانه همه اعضای جامعه است. در این میان، نقش زنان، نه به عنوان مخاطب اصلاحات، بلکه به عنوان کس که فعال است، صرفاً تماشکر جهان نیست، نقشی اساسی و تعیین کننده است.

بدین سان، می توان گفت که نهضت امانی، هرچند در زمان خود ناتمام ماند، اما بذر آگاهی و برابری را در خاک جامعه افغانستان کاشت، بذری که همچنان می تواند در مسیر آینده این سرزمین به بار بنشیند.

آرشیف: مطالب نشر شده ن. جلیل زاد